

برنامه تا آسمان

اسماء و صفات جلالیه الهی ۶

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۰۱/۰۸/۲۹ مقارن با ۱۴۴۴/۰۴/۲۵ هجری قمری

(مجری)

خدمت شما عزیزان هستیم، حجت الاسلام و المسلمین جناب حاج شیخ علی آقای رضایی تهرانی در برنامه ما امروز حضور دارند که خدمتشان سلام عرض می‌کنم، عرض خوش‌آمد و تشکر از حضور شما. (استاد)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

سلام علیکم و رحمه الله، من هم عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضرت عالی و همه بینندگان ثابت‌قدم و باوفای این برنامه، من هم عرض تبریک و تسلیت دارم شهادت این دو جوان رعنا را که قصب سبق را ربودند و گوی را در میدان شهادت نسبت به بسیاری که انتظار او را می‌کشند، ربودند، خوشا به حالشان، امید این که خدای متعال شهادت را روزی ما هم بفرماید.

(مجری)

ان شاء الله، خیلی متشکرم، ممنون که در برنامه امروز هم حضور دارید.

خدمت حاج آقای رضایی تهرانی بحث ما صفت و اسماء الهی هست و چند جلسه در مورد صفت غضب و انتقام حاج آقا برای ما و شما صحبت کردند. جلسه گذشته در پایان بحث یک سوال است که خیلی کلی‌تر بود، در پایان جلسه باقی ماند و از حاج آقا قول گرفتیم که در ابتدای این جلسه برایمان بفرمایند.

این هم این که چگونه بفهمیم الان محبوب خدا هستیم یا مغضوب او، ویژگی‌های محبوبان خدا چیست؟

(استاد)

بسیار سوال کاربردی و مربوط به الان کشور ما (است)، الان تعدادی از افراد، حالا یا گول خوردند یا اجیر بیگانه شدند و به تعبیر مقام معظم رهبری مشغول شرارت هستند و توده میلیونی ملت هم در مقابل آن‌ها صف آراستند و دارند از اهداف انقلاب و از روند پیشرفت کشور دفاع می‌کنند. سوال خوبی است، انسان در آخرالزمان دائماً باید از خود بپرسد که آیا من در صف محبوبان الهی هستم، خدای متعال صبحگاهان به من لبخند می‌زند یا بر من اخم در هم می‌کشد و ترش می‌کند.

این را می‌خواهیم از دیدگاه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) بفهمیم.

ما محبوبان الهی را با این ویژگی‌ها در روایات می‌شناسیم.

فرمود اولین علامت کسی که محبوب خدا است، این است که سختی در راه خدا را دوست دارد، یعنی در راه خدا دنبال راحت نیست.

تعبیری که در روایات ما آمده (است)، «الْقَلْبُ الْمُحِبُّ لِلَّهِ، يُحِبُّ كَثِيرًا النَّصَبَ لِلَّهِ، النَّصَبَ»، یعنی سختی کشیدن. انسان محب خدا، سختی در راه خدا هم برای او محبوب است چه این که اگر خدا راحت بدهد، از راحتی‌ای که خدا بدهد گریزان نیست ولی خدای متعال اگر او را به هر دلیلی به سختی مبتلا کرد، این سختی او را ناامید نمی‌کند.

سزد از عبرت بشر گردد
پافشاریش بیشتر گردد

پافشاری و استقامت میخ
هر چه کوبند بیش بر سر او

۴۳ سال است ملت ایران ایستاده (است)، خدای متعال به داود (علیه‌السلام) وحی فرستاد که «مَالِي أَرَاكَ وَحَدَانِيًّا؟»، چرا تنهایی؟

(داود) گفت: «من حرف حق زدم، آن‌هایی که حق‌گرا نبودند از من بریدند، دور شدند».

(خدا) فرمود: «مَالِي أَرَاكَ سَاكِنًا». چرا کم سخن می‌گویی؟

(داود) فرمود: «خَشْيَتُكَ أَسَكَّتْنِي».

ترس از تو باعث شده (است)، من خیلی پرحرفی نکند.

(خدا) فرمود: «چرا انگار خسته‌ای؟، چرا انگار با سختی دست و پنجه نرم می‌کنی؟».

عرضه داشت خدایا هر کس عشق تو را بخرد، عشق تو خالی از سختی نیست.

از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نقل کردند که نشسته بودند با اصحاب، مصعب ابن عمیر آمد.

مصعب این عمیر اولین کسی است که از مکه به مدینه هجرت کرده (است) و مدینه را با قرآن فتح کرده (است)

و کسی است که وقتی در جنگ احد به شهادت رسید چون خیلی قیافه‌اش شبیه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بود،

دشمن خیال کرد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را کشته است.

خیلی جوان رعنا، از خانواده ثروتمند، وقتی مسلمان شد خانواده او را حجر کردند، می‌آمد در حالی لباسی که بر

تن او بود به تعبیر ما بر بدن او زار می‌زد، لباس مندرسی (داشت).

پیغمبر فرمود: «خودم دیدم، این وقتی نوجوان بود، پدر و مادرش بهترین غذاها را در دهان او می‌گذاشتند و این طور

او را تربیت می‌کردند، حالا ببینید در راه خدا چه طور سختی را دارد تحمل می‌کند».

ملت ایران تحریم را تحمل کرد، جنگ هشت‌ساله را تحمل کرد، به خاطر این که در راه خدا سختی را دوست

دارد و این علامت محبوب بودن پروردگار است.

دومین علامت و نشانه محبوبان پروردگار «حُبِّ الْخَيْرِ وَأَهْلِهِ» است، این که انسان کار خوب را دوست داشته باشد،

اهل کار خوب و نیکوکاران را هم دوست داشته باشد.

عبدالله ابن مسعود می‌گوید که پیش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نشسته بودیم، شترسواری آمد، وقتی رسید، خیلی

خسته بود، به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گفت که یا رسول الله از هفت شبانه‌روز راه تا این جا آمده‌ام، خسته شدم،

«أَنْصَبْتُ بَدَنِي وَأَسْهَرْتُ لَيْلِي»، شبانه‌روز هم تاختم تا خدمت شما رسیدم، می‌خواهم یک سوال از شما بکنم، دو

تاسوال را برای من توضیح بدهید و من کار دیگری با شما ندارم.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اول فرمودند: «اسم وفامیلت چه است؟».

گفت: «من زید الخیل هستم».

زید اسب (هستم).

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «نه، تو زید الخیر هستی». یعنی آمد لقب او را تصحیح کرد، گفت تو زید

الخیل نیستی، زید الخیر هستی. حالا سوالت چه است؟

گفت: «من سوالم این است که خدا که را دوست دارد که را دوست ندارد؟».

تعبیر روایت این است، «أَنَّ عَلامَةَ اللَّهِ تَعَالَى فِي مَنْ يُرِيدُ وَعَلامَتُهُ فِي مَنْ لَا يُرِيدُ».

(مجری)

حاج آقا ببخشید میکروفون شما یک اشکالی دارد، اجازه بدهید یک بخشی را ببینیم و برگردیم ادامه صحبت را

بشنویم، عذرخواهی می‌کنم این بخش را با هم ببینیم.

(تیزر)

خطبه ۱۳۲

آیا ندیدید آن‌ها را که آرزوهای دور و دراز داشتند و کاخ‌های استوار می‌ساختند و مال‌های فراوان می‌اندوختند،

چگونه خانه‌هایشان گورستان شد و اموال جمع‌آوری شده‌شان تبه و پراکنده از آن وارثان گردید و زنان آن‌ها با

دیگران ازدواج کردند؟

نه می‌توانند چیزی به حسنات بیفزایند و نه از گناه توبه کنند. کسی که جامه تقوا بر قلبش بپوشاند، کارهای نیکوی

او آشکار شود و در کارش پیروز گردد.

پس در به دست آوردن بهره‌های تقوا فرصت غنیمت شمارید و برای رسیدن به بهشت جاویدان رفتاری متناسب

آن انجام دهید، زیرا دنیا برای زندگی همیشگی شما آفریده نشده (است).

گذرگاهی است که در آن زاد و توشه آخرت بردارید.

پس با شتاب آماده کوچ کردن باشید و مرکب‌های راهوار برای حرکت مهیا دارید.

(پایان تیزر)

(مجری)

هفت دقیقه فرصت داریم تا به استقبال اذان برویم، داریم در این باره صحبت می‌کنیم که چگونه بفهمیم الان محبوب خدا هستیم یا مغضوب خدا هستیم.

دو مورد را حاج آقا گفتند:

کسی که سختی در راه خدا را دوست دارد و کسی که اهل کار خوب است و کسانی که اهل کار خوب هستند را دوست دارد، ادامه صحبت را می‌شنویم.

(استاد)

روایتی را از پیغمبر (سلام الله علیه) نقل کردم که کسی آمد گفت که هفت شبانه‌روز راه را طی کردم، رسیدم این جا تا ببینم خدای متعال من یُرید و من لا یُرید، که را می‌خواهد و که را نمی‌خواهد.

پیغمبر (سلام الله علیه) فرمود: «تو الان بگو حال روحی‌ات چه طور است؟».

گفت: «أَصْبَحْتُ أَحَبَّ خَيْرًا وَمَنْ يَعْمَلُ بِهِ وَإِنْ عَمِلْتُ بِهِ أَقْنَتُ ثَوَابَهُ».

من الان حال روحی‌ام این جور است که کار خیر را دوست دارم، هر کسی هم کار خیر را انجام می‌دهد دوست دارم، یک کار خیری را اگر انجام بدهم، یقین دارم خدا می‌بیند و ثوابش را می‌دهد و اگر از دستم برود، غصه می‌خورم که چرا این کار خیر از دست من رفت.

پیغمبر (سلام الله علیه) فرمود: «جوابت را گرفتی، دنبال این بودی خدا چه کسی را می‌خواهد و چه کسی را نمی‌خواهد. خدا کسی که کار خیر را بخواند و نیکوکاران را دوست داشته‌باشد، این را خدا دوست دارد و اگر کسی کار خیر را دوست نداشته‌باشد و بدکاران را دوست داشته‌باشد، خدا این را نمی‌خواهد».

پس این مورد دوم (که بیان شد).

مورد سوم اهل بیت (علیهم السلام) فرموده‌اند: «از علامت این که کسی محبوب پروردگار است، این است که باید ما اهل بیت را دوست داشته‌باشد».

«مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَأَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى».

«مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ»، در زیارت جامعه می‌خوانیم، «وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ».

اگر کسی محب خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) باشد، محبوب خدای متعال است. آن روایتی که در زیارت اربعین انسان به در و دیوار می‌بیند چه است؟

«أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا».

اگر کسی خدا را بخواند دوست داشته‌باشد و خدا بخواند او را دوست داشته‌باشد، باید حسین ابن علی ابن ابیطالب (علیه السلام) را دوست داشته‌باشد.

لذا اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند: «رَضَانِ رَضَى اللَّهُ». اگر کسی ما را راضی کند، یقیناً خدای متعال هم راضی کرده‌است.

مورد چهارم، شب‌زنده‌داری است، قیامُ اللَّیْلِ، اگر انسان موفق به این است که یک‌ربع به اذان، بیست دقیقه به اذان بلند شود و نماز شب بخواند.

پیش شیخ انصاری آمد، گفت: «شیخ هر کاری می‌کنم موفق به نماز شب نمی‌شوم، وقت نمی‌کنم».

شیخ فرمود: «قلیان می‌کشی؟».

گفت: «آره، اهل قلیان هستم».

(شیخ) گفت: «یک قلیان را تا آماده کنی و داغ بشود و ذغال‌هایش سرخ بشود، چه قدر طول می‌کشد؟».

گفت: «بیست دقیقه».

(شیخ) گفت: «یک بیست دقیقه‌ات را قلیان نکش، برای خدا بلند شو، به جای یک قلیان کشیدن».

یک ساعت ونیم، دو ساعت می‌نشینی با موبایل و می‌روی، این را نصف کن، یک‌جوری خوابت را تنظیم کن که قیامُ اللَّیْلِ داشته‌باشی.

روایات فراوان در این زمینه داریم که به او نمی‌پردازیم.

(مجری)

بخشید، می‌شود بپرسم، شب‌زنده‌داری منظورتان این نیست که ساعات زیادی یا کل شب را بیدار بمانیم؟

(استاد)

نه اصلاً، ببینید یک موقع انسان می خواهد به مراحل عالی برسد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می شود، «قُرِئَ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا، نِصْفَهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا».

یک موقع انسان، نه، می خواهد محبوب پروردگار باشد، حالا خیلی نمی خواهد به آن درجات عالی برسد، این همین که مقدار اندکی قبل از نماز صبح را بیدار باشد، حتی کسی حالا شب دارد دیر می خوابد و می بیند ممکن است تا اذان صبح نتواند بیدار شود، خب می گویند از نیمه شب که گذشت نماز شبش را بخواند و این را می دانیم خواندن نماز شب چنانچه که مکرر در این برنامه عرض کردیم، هفتاد خاصیت و اثر دارد.

پنجمین مورد در حقیقت یک روایت است که این روایت از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده است و به آن روایت معراجیه می گوئیم.

روایت معراجیه از روایات بسیار شیرین است که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در معراج مخاطب شد از طرف خدا با عناوین یا أحمد، یا أحمد، یا أحمد. شاگردان عارف کامل مرحوم آیت الله انصاری همدانی می گفتند: «مرحوم آقای انصاری بیست سال این روایت را شرح کرد». بیست سال (آن را شرح کرد)، این قدر این روایت پر عمق است. بخشی از این روایت که در ارشادالقلوب دیلمی آمده (است)، این ۲۳ مورد را به عنوان کسانی که محبوب الهی هستند در یک روایت جمع کرده است. من سریع تر می خوانم که برسیم.

۱. کم مصرف بودن
۲. سجده طولانی
۳. قیام طولانی برای خدای متعال
۴. ملازم سکوت بودن
۵. متوکل بودن
۶. پرگریه و کم خنده بودن
۷. مخالفت با هوای نفس
۸. دائماً مسجدی بودن
۹. ملازم دانش بودن
۱۰. همنشین زاهدان بودن
۱۱. رفیق علما بودن
۱۲. رفیق فقرا بودن
۱۳. طالب رضای خدا بودن
۱۴. فراری از گنهکاران بودن
۱۵. دائم الذکر و تسبیح بودن
۱۶. وفاداری به پیمان
۱۷. عامل به وعده و عده دادی، عمل کن، به بچه‌ات، به زنت، به رفیقت، به همکارت.
۱۸. دل پاک، قلب سلیم
۱۹. نماز را خوش اقامه کردن
۲۰. اهمیت دادن به واجبات

۲۱. به دنبال ثواب الهی بودن

۲۲. از عذاب الهی ترسناک بودن

۲۳. همنشین دوستان خدا بودن

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از خدا نقل می‌کند، خدا فرمود که این ۲۳ صفت ویژگی‌های محبوبان من است. خدا اگر (این صفات را) داریم اضافه کند، اگر نداریم روزی ما بفرماید.

(مجری)

این بیست‌سالی هم که در این باره صحبت شده‌است واقعاً جا داشته (است)، نکاتی هست که هر کدامش می‌شود در موردش ساعت‌ها صحبت کرد.

قبول باشد ان شاء الله نماز اول وقت شما عزیزان، ما امروز در مورد این صحبت می‌کنیم که چگونه بفهمیم صبح که از خواب بیدار می‌شویم خدا به ما لبخند می‌زند یا نه، این که محبوب خدا هستیم یا نه. پنج‌مورد را حاج‌آقا برایمان فرمودند، مورد پنجم یک حدیث معراجی از نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) بود که ۲۳ مورد به آن اشاره شد.

حالا در بین سوالاتی که به دستم رسیده (است)، این سوال را حاج‌آقا همین جا بفرمایید.

آیا برای این که محبوب خدا باشیم باید همه این موارد را داشته‌باشیم یا نه، چند موردش هم باشد، کافی است؟

(استاد)

بله، نه همین‌طور است که چند مورد هم باشد کافی است، این را توضیح خواهم داد.

(مجری)

ان شاء الله، سوالات شما به دست من می‌رسد، تعدادش هم زیاد شد اما یک بخش دیگر حاج‌آقا تکمیل بفرمایند بحثشان را، سوالات را پاسخ دهیم.

(استاد)

بله، از مواردی که گفتند می‌خواهید بفهمید محبوب خدا هستید یا نه، ببینید محب خدا هستید یا نه. یعنی از قدیم می‌گفتم دل به دل راه دارد، اگر شما خدا را دوست دارید، خدا هم شما را دوست دارد. پیش امام صادق (علیه‌السلام) آمد، به حضرت عرض کرد که آقا من شما را خیلی دوست دارم، حضرت لختی سر فروافکندند و بعد سر مبارکشانشان را برداشتند، گفتند که درست می‌گویی.

گفت: «آقا چه شد، از کجا فهمیدید که من درست می‌گویم، راست می‌گویم؟».

(امام صادق) فرمودند: «چون من هم به خودم مراجعه کردم، دیدم من هم تو را دوست دارم».

اگر ما علی ابن موسی الرضا (علیه‌السلام) را دوست داریم، امام رضا (علیه‌السلام) هم ما را دوست دارد. اگر ما امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دوست داریم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم ما را دوست دارد.

(مجری)

این جمله چه قدر نویدبخش است.

(استاد)

بله، همین‌طور است.

پیش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آمد، حالا به این روایت می‌خواستیم برسیم، این جا بگویم.

پیش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آمد به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گفت: «یا رسول الله، برای روز قیامت کی باید آماده شویم، روز قیامت کی است؟».

همان موقع اذان گفتند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «نماز بخوانیم، بعد بیا، پاسخ می‌دهم».

نماز را خواندند، بعد از نماز پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «که بود راجع به روز قیامت سوال داشت؟».

آمد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «می‌گویی روز قیامت کی هست؟».

گفت: «آره».

(پیغمبر) فرمود: «مَا أَعَدَّتْ لَهَا؟».

چه برایش آماده کردی؟

گفت: «یا رسول الله من آدم خیلی زرنگی نیستم، خیلی اهل نماز و روزه و اینها نیستم، در حد واجباتم ولی شما و خاندانت را دوست دارم».

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ».

انسان در روز قیامت با همان کسی است که دوستش دارد، کنار من هستی، فرمود که «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ».

پس این که آیا خدا ما را دوست دارد یا نه، یک و این که تا چه حدی دوست دارد، بستگی دارد که من خدا را دوست دارم یا نه و این که تا چه حدی خدا را دوست دارم. مورد هفتم، اگر من پیش محبوبان الهی محبوبم که الان اشاره کردیم، یعنی اگر سیدالشهداء (علیه السلام) من را دوست داشته باشد، اگر امام رضا (علیه السلام) من را دوست داشته باشد، اگر حجت خدا، ولی الامر و صاحب عصر و الزمان (سلام الله علیه) من را دوست داشته باشد.

فرمود پیش محبوبان الهی اگر محبوب باشی یعنی خدا او را دوست دارد. روایت داریم که «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا، نَادَى جِبْرَائِيلَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ فَلَانًا، فَأَحْبِبْهُ».

خدای متعال اگر عبدی را، بنده‌ای را دوست داشته باشد، جبرئیل ندا درمی‌دهد، یعنی خدای متعال به جبرئیل می‌گوید: «فلانی را من دوست دارم، تو هم دوستش داشته باش».

جبرئیل هم می‌گوید باشد پروردگار، من او را دوست دارم. بعد جبرئیل در آسمان‌ها ندا درمی‌دهد، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فَلَانًا، فَأَحْبِبْهُ»، به فرشتگان می‌گوید که خدا فلانی را دوست دارد، شما هم او را دوست داشته باشید.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا».

خمینی کبیر می‌شود، در استقبالش وقتی از خارج می‌آید، پنج میلیون جمعیت می‌رود، در بدرقه جنازه‌اش، ده میلیون جمعیت می‌رود با آن سختی‌ای که مردم در زمان امام کشیدند.

هشتم، این که من پیش دشمنان خدا مغضوب باشم، این علامت محبت پروردگار است.

ببینید، مرحوم امام فرمودند: «اگر یک روز آمریکایی‌ها از شما تعریف کردند، اروپایی‌ها از شما تعریف کردند، یقیناً آن روز شما باید عزاداری کنید». مصیبت زده‌اید شما که کسانی که افتخارشان در جنگ بوسنی این بود که ما مسلمان می‌کشیم چون مسلمانند (از شما تعریف می‌کنند). کسانی مثل امریکایی‌ها که ۵۲ قطعه‌نامه سازمان ملل را بر علیه رژیم صهیونیستی کودک‌کش تا کنون و تو کردند. معنی‌اش این است که ما کودک‌کشی را، اشغال‌گری را به رسمیت می‌شناسیم، با این که او با ما به صراحت گفت، گفت که اسرائیل تا کی می‌خواهد اشغال‌گری کند. خودش هم می‌فهمد، اگر ما پیش مغبوضین و مغبوضین خدای متعال فرد بد باشیم یعنی خدا ما را دوست دارد.

اگر روزی آن‌ها برای ما کف زدند، اگر روزی اینترنت‌نشال سعودی وهابی که انتهای آن صهیونیست است، برای ما کف زد، یعنی ما مغضوب پروردگار هستیم، محبوب خدا نیستیم.

نهم، انس با خدا، فرمود: «انسانی محبوب خدا است که نسبت به خدای متعال انس داشته باشد».

ما در دعای جوشن می‌خوانیم یا اُنَيْسَ اَلذَّاكِرِينَ، ای کسی که تو مونس ذاکرینی، هیچ انیسی و جلیسی بهتر از خدای متعال نیست، فراوان روایت داریم که اگر کسی به خدای متعال انس داشته باشد (محبوب خدا است).

ببینید، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در سیره‌اش آمده (است)، هرگاه دوسه دقیقه وقت فارغ پیدا می‌کرد، کَانَ يُصَلِّي، می‌ایستاد، ما خیال می‌کنیم نماز فقط ظهر است و شب است و صبح، نه، به مجرد این که فرصتی پیدا کردی، وضو هم که خوب است انسان دائم با وضو باشد، جانماز هم خوب است انسان در جیش داشته باشد، بایست بگو الله اکبر، دو رکعت نماز بخوان.

می‌گوید حاج آقا چه نیتی کنم؟

نیت تقرب الی الله، نیت خاصی لازم نیست که نماز امام زمان باشد، نماز حضرت زهرا (سلام الله علیها) باشد، پس انس با خدای متعال دست انسان را می‌گیرد.

دهم، اَلْحَمِيَةُ مِنَ الدُّنْيَا، دنیاپرهیزی و دنیاگریزی، این که انسان به دنیا دل ندهد، چرا این قدر من باید شیفته این باشم بروم آن طرف آب زندگی کنم، چه خبر است آن طرف آب.

جز این که آنجا برهنگی و مشروب و بی‌دینی و قانونی بودن همجنسبازی که در حیوانات هم دیده نشده (است)، جز این مگر چیز دیگری است.

نکته این است که اگر کسی دنیاگریز باشد و دنیاپرهیز باشد یعنی خدای متعال او را دوست دارد، آن وقت در روایات می‌گوید خدا اگر کسی دنیاگریز باشد، دین را در ذهن او و قلب او محبوب می‌کند، آخرت را در قلب او محبوب می‌کند، علم‌آموزی را، بهره‌دانشی را برای او زیاد می‌کند، ایمان‌گروی را برای او زیاد می‌کند، آرزوهایش را کوتاه می‌کند که این آرزوی بلند انسان را گاهی بدبخت می‌کند.

مورد یازدهم، **الْإِبْتِلَاءُ بِعَظِيمِ أَلْبَاءِ**، انسان اگر محبوب خدا است، هر چه محبوب‌تر، ابتلائات بیشتر. گفت:

نوبت به اولیاء که رسید، آسمان تپید زان ضربتی که بر سر شیر خدا رسید

ما محبوب‌تر از حسین ابن علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام) داریم؟

محبوب‌تر از علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام) داریم؟

محبوب‌تر از خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله) داریم؟

محبوب‌تر از انبیاء داریم؟

گفت: **«الْبَلَاءُ لِلْوَلَاءِ»**.

انسانی را که خدا دوست دارد، این‌جا آزمایش می‌کند، تحریم می‌آید، سختی می‌آید، این انسان است که دارد آزمایش می‌شود. انسانی را که خدای متعال دوست ندارد، رهایش می‌کند.

فرمود که خدای متعال در قرآن کریم، اگر نبود که مردم همه بی‌دین می‌شدند، ما برای کسانی که طالب دنیا هستند، خانه‌هایی قرار می‌دادیم که یک آجرش نقره باشد، یک آجرش طلا باشد چون دنیا را می‌خواهد، دنیا را به او

می‌دادیم، **«وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ، وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»**، اما آن طرف دیگر خبری نیست.

هشتادسال مثل یک حیوان این‌جا می‌چرد اما ابدیت را از دست می‌دهد. این‌ها مواردی است که نشان می‌دهد اگر ما محبوب خدا هستیم، این امور را باید در نظر داشته‌باشیم که برای ما هست.

(مجری)

خیلی متشکرم، سوالاتی در همین باره هم دارم که بخشی را ببینیم، برگردیم، خدمت حاج آقا مطرح می‌کنم. آیاتی از کلام وحی را مرور می‌کنیم.

(تیزر)

«وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى، وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِهَاتِهَا لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ، إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ، وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ، وَإِلَىٰ اللَّهِ الْمَصِيرُ».

هیچ‌کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد و اگر مجرمی گران‌بار کسی را برای حمل گناهانش به یاری طلبد، او را یاری نخواهد کرد، اگر چه از خویشاوندانش باشد.

تو فقط کسانی را هشدار می‌دهی که در نهان نسبت به پروردگارشان هراسانند، همان کسانی که نماز به پای می‌دارند.

بدانید هر کس خود را از آلودگی‌ها پاکیزه گرداند، به نفع خویش کار کرده‌است و سرانجام همه به سوی خدا است. (پایان تیزر)

(مجری)

خدمت شما عزیزان هستیم، باز هم تشکر می‌کنم از این که ما را مورد اعتماد قرار می‌دهید، سوالات خودتان را برای ما می‌نویسید، زحمت می‌کشید و پیام می‌دهید. سراغ سوالات می‌روم، ما آخرش نفهمیدیم چه طور می‌گویند خدا هر کس را دوست داشته‌باشد، به او مال و ثروت نمی‌دهد تا همیشه خدا را صدا بزند.

این چه طور دوست‌داشتنی است که بندگان برای رسیدن به مال و آرامش باید همیشه حسرت و آه بکشند؟

(استاد)

اولاً بنده‌های خدا برای رسیدن به مال و منال حسرت و آه نمی‌کشند چون بنده خدا از لذت‌هایی پر است که آن لذت‌ها برایش آن قدر اقناع‌کننده است که اصلاً به امور فرودستی نگاه نمی‌کنند، یعنی قارون است که قارون صفتی می‌کند. امیرالمومنین (علیه‌السلام) در یکی از خطب نهج‌البلاغه خیلی به صراحت فرمود، فرمود که آقا یا پول و

مال و منال چیز خوبی است یا چیز خوبی نیست. اگر چیز خوبی باشد، معنا ندارد که خدا به خوب‌ترین انسان‌ها که انبیاء هستند، این را نداده (است) و مثل پیغمبر ما فرمود: «الْفَقْرُ فُحْرٌ». فقر فخر من، افتخار من است.

بله، روزی در حد کفاف از خدا خواسته‌بشود که انسان به تکدی نیفتد، عزت‌مندانه و آبرومندانه زندگی کند اما بیشترش را ما می‌دانیم، «فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ وَفِي حَلَالِهَا وَفِي حَلَالِهَا حِسَابٌ».

(مجری)

حلالش حساب دارد.

(استاد)

حساب دارد، آن دنیا یک دقیقه، یک دقیقه است من کمتر در صحرای قیامت که عرق از همه جا جاری است و عرق تا لب پایین من رسیده (است) و حتی جهنمیان می‌گویند که خدایا تمامش کن، آن قدر سخت است، من آنجا بخوادم بایستم، حالا بگویم آن پورشه را از کجا آوردم، ایم بنز را از کجا آوردم، حالا این ده تا آپارتمان چه طور حاصل شد، چه قدر وام گرفتم، چه قدر وام دادم.

خب، برای همین است که خدای متعال خوبان درگاهش را در مقدار اندکی از رزق نگه می‌دارد و لذا امثال حضرت سلیمان (علیه‌السلام) فرمودند که اولاً استثناء است و لذا روز قیامت آخرین پیغمبری است که به بهشت می‌رود. با این که در این دنیا با زنبیل بافی روزی خودش را در می‌آورد و از مواهب ملک و سلطنت استفاده نمی‌کرد.

(مجری) خدا در قرآن فرموده است «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، پس چرا ما دعا می‌کنیم مستجاب نمی‌شود؟

(استاد)

بله، مکرر در این برنامه شما مستحضرید عرض کردیم که استجابت هفت نوع دارد، یک نوعش این است که من همان چیزی را که می‌خواهم، همان وقت که می‌خواهم، به همان کیفیتی که می‌خواهم خدای متعال به من بدهد. من دخترخاله‌ام را می‌خواهم، آن هم امسال می‌خواهم، آن هم با یک عروسی پرسرصدا. خدا این جوری به من بدهد، می‌گویم دعایم مستجاب شد. البته بنده دخترخاله‌ای که ازدواج کند الان ندارم، دارم مثال می‌زنم، اشتباه نشود، فردا بگویند حاج‌آقا در پیری، معرکه‌گیری کرده‌است، درست؟ ولی هفت نوع استجاب داریم، یک نوع استجابت این است، خدا زبانت را می‌بیند، قلبت هم می‌بیند. می‌گویی خدایا من دخترخاله‌ام را می‌خواهم، می‌خواهد خوشبخت بشود، نمی‌داند این دخترخاله با ۲۵ نفر تا حالا بوده (است)، این خبر نداشته‌است، این کریستالی است، این اصلاً فاحشه است، نمی‌داند. در حقیقت خدا قلب او را می‌بیند.

مورد دیگر، چیزی از خدا می‌خواهد، خدا می‌بیند الان وقتش نیست، با تأخیر به او می‌دهد. مورد دیگر، خدا در دنیا نمی‌دهد و در روز قیامت می‌دهد و آن‌جا مومن می‌گوید: «خدایا کاش هیچ دعای من را در دنیا مستجاب نکرده‌بودی که این‌جا به من می‌دادی».

این شصت‌هفتاد سال آقای قاسمی‌نیا می‌گذرد، هر جور می‌گذرد، مهم این است که انسان بتواند در ابدیت درست بوده‌باشد.

(مجری)

درست است، بیننده عزیز می‌گفتند سلام، حاضر، یعنی این که پای برنامه هستند، خدا قوتتان دهد، امیدوارم سلامت باشید و فرصتی باز بگذارید تا پایان برنامه. آیا نمی‌شود انسان محبوبیت خدا را بخواند و ابتلاء به بلاها را نخواند؟

(استاد)

چرا، منتهی نکته این است که ما گفتیم محبوبیت پروردگار درجاتی دارد، به مقدار همت انسان آن محبوبیت می‌آید، خدای متعال کسانی را هم که مال می‌دهد، ثروت می‌دهد و ابتلاء زیادی به آن‌ها ندارد و آن‌ها اهل ایمانند، این‌ها را هم می‌خواهد ولی این‌ها در یک درجه‌ای از بهشت هستند.

سیدالشهداء از مکه حرکت کرد، به طرف کوفه برود، جلوی او را گرفتند، آقا کجا می‌روی؟

فرمود که دیشب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را در خواب دیدم، فرمودند: «يَا حَسَيْنَ إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ دَرَجَةً لَا تَنَالُهَا إِلَّا بِالشَّهَادَةِ».

یک درجه‌ای مانده است که آن فقط با ارباباً شدن به آن (می‌رسی). خدا رحمت کند مرحوم زینالزاده و مرحوم رضازاده را که این جور رفتند با این تعداد ضربات چاقو (به شهادت رسیدند)، رضوان الله تعالی علیهم، بالاخره مقامی او دارد، مقامی هم دیگران دارند، طبیعی قضیه است.

(مجری)

چگونه می‌توان به خاطر محبت خدا مبتلا به بلا یا شد ولی در عین حال آرامش داشت و خوش بود؟

(استاد)

این نکته، نکته خوبی است، ببینید، اصولاً ما می‌خواهیم بگوییم بهترین زندگی در جهان دنیا مال خوبان است، چرا؟

چون خدا هم که راست می‌گوید، درست می‌گوید، انسان‌شناس هم که هست، فرمود: «أَلَا بَدِكْرُ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». این یک آیه، یاد خدا اطمینان می‌آورد.

شهید حججی است، می‌داند الان می‌برندش شکنجه‌اش می‌کنند، پشت سرش هم داعشی ایستاده (است)، این در اوج آرامش است، داعشی غالب و پیروز به ظاهر، در اوج اضطراب است.

آیه دیگر، فرمود: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا».

اگر کسی از ذکر و یاد (من غافل شود)، علتش چه است، فرمود اصلاً این معیشت ضنک دارد. ما الان بیشترین خودکشی‌ها را در آمریکا و ژاپن داریم با این که وضع مردم بد نیست، بیشترین ثروت برای آن‌جا است، سرش این است ظرف وجودی من با پول و منال و مقام پر نمی‌شود، این ظرف وجودی با مبداء هستی که نامتناهی است پر می‌شود.

فرمود که قلب شما حرم خدا است، «فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَهُ».

(مجری)

گفتند لطفاً بفرمایید «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»، مال مومنین است و درباره کفار «إِنَّ مَعَ الْيُسْرِ عُسْرًا»، عُسْرًا است یا همه انسان‌ها چنین هستند؟

(استاد)

نه، همه انسان‌ها چنین هستند، یعنی اصلاً ببینید یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ، نگفت یا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا»، کدح یعنی رنج، زحمت، عالم دنیا این است. در عالم دنیا شما یک شب عروسی داری، در آسمان هفتم داری پرواز می‌کنی، یک شب هم همین خانم نوجوان از دنیا می‌رود، می‌خواهی دیوانه شوی. یک شب هم خبر به تو می‌دهند سرطان خون داری، می‌خواهی دیوانه شوی. در دنیا ما آرامش مطلق نداریم، اتفاقاً اگر بخواهد جایی «إِنَّ مَعَ الْيُسْرِ يُسْرًا»، باشد باز مال مومن است، چرا؟

چون مومن بلا را هم از او می‌بیند، یا امتحان او می‌بیند یا ارتفاع درجه می‌بیند.

فرمود: «أَلَا بَدِكْرُ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».

(مجری)

وقتی می‌گویند از خدا بترس، آیا واقعاً خدا ترس دارد، می‌شود توضیح دهید؟

(استاد)

نکته خوبی است، ما دو نوع ترس از خدای متعال داریم، یک ترس از خدا یعنی ترس از عمل غیرلائق به ساحت ربوبی، من در حقیقت کاری کردم که این کار لائق به ساحت ربوبی نیست، در حقیقت دارم از عمل خودم می‌ترسم.

از امام مجتبی (علیه‌السلام) پرسیدند «مَا لَنَا خَافِ الْمَوْتَ؟».

چرا ما از مرگ می‌ترسیم؟

حضرت فرمودند که «عَمَّرْتُمْ دُنْيَاكُمْ»، دنیاتان را آباد کردید «وَحَرَبْتُمْ آخِرَتَكُمْ»، آخرتتان را هم خراب کردید. هیچ عاقلی نمی‌خواهد از جای آباد به جای خراب برود. اگر برعکس باشد، به این معنا که آخرت آباد باشد، حالا دنیا هم آباد باشد یا نباشد، آن دیگر دست پروردگار است، پس این یک نوع ترس از خدا است. یک نوع ترس از خدا، ترس عارفانه است، یعنی من در مقابل، یک من حقیر مطلق در مقابل یک عظمت مطلق ایستادم. این چنان خشیت یعنی خوف همراه با احساس اقتدار مخاطب، چنان بر من مستولی می‌شود، این خشیت از گناه نیست، این بالاترین لذت در این خوف است، در این خشیت است که من در مقابل عظمت مطلق و کوچک دیدن خودم دارم احساس خشیت می‌کنم.

(مجری)

یک چند تا صلوات بفرستید، هدیه کنیم به شهدای امروز، آقای رضازاده و زینالزاده برمی‌گردیم و ادامه سوالات را می‌خوانم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

از دوستانم در پخش تشکر می‌کنم، چند دقیقه وقت اضافه به ما دادند، ما حدوداً هشت دقیقه فرصت داریم که سریع سوالات را بخوانم، اینطور پیامک‌هایی هم دارم.

چنان لطف او شامل هر تن است
چنان کار هر کس به هم ساخته‌است
که هر بنده گوید خدای من است
که گویا به غیری نپرداخته‌است

حاج آقا گفتند من گناه کبیره کردم ولی خیلی پشیمانم، نماز می‌خوانم، عاشق ائمه و انبیاء خدا هستم، نمی‌دانم خدا این نماز من را قبول می‌کند و چند بار هم توبه شکستم.

(استاد)

بله، ببینید نکته آن است همین که حال توبه دارند، نعمت الهی است، حال را باید حفظ کنند و صد بار اگر توبه شکستی، بازاً، بازاً هر آن چه هستی بازاً.

باید تلاش کنند توبه‌شان شکسته نشود، راهش هم این است، آن گناهی را که مبتلا هستند، در معرض آن گناه خود را قرار ندهند. حالا گاهی گناه به خاطر این است که من یک جایی تنها می‌شوم، این تنهایی را کنار (بگذارم).

گناه مال این است که من موبایل پیشرفته دستم است، تدبیر کنم مدتی به موبایل غیرپیشرفته، به هر حال اگر واقعاً پشیمان است، نترسند به خاطر این که فرمود: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَنِ الذَّنْبِ».

توبه حقیقتش پشیمانی است.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس توبه کند، مثل این است که از مادر متولد شده‌است».

(مجری)

برای محبوب خدا بودن، داشتن همه این ویژگی‌ها که فرمودید لازم است یا بعضی از آن‌ها هم کافی است اگر باشد؟

چگونه صفات محبوبان الهی را در خود ماندگار کنیم؟

(استاد)

این سوال خیلی خوبی است، من مکرر در این دوسه چهارپنج سالی که حالا خدمت رفقا بودیم در این برنامه عرض کردم هم فضائل تشکیکی است هم رذائل تشکیکی است. یعنی هم انسان در صعود تشکیکی (است)، تشکیکی یعنی با درجات بالا می‌رود، هم در سقوط.

معمولاً انسان یکبارہ سقوط نمی‌کند، یکبارہ هم مرحوم آقای قاضی یا مرحوم بهجت نمی‌شود.

محبوبیت پروردگار یک فضیلت است، هر مقدار آن چه را که در این برنامه گفتیم، انسان بیشتر انجام بدهد، محبوب‌تر است، هر مقدار کمتر انجام بدهد، محبوبیتش چه است؟

کمتر است.

پس این بستگی به این دارد که من چه مقدار (صفات را کسب می‌کنم). بگذارید این را به این مثل فارسی (بگویم)،

می‌گویند که هر مقدار کاسه بیاوری، آش می‌بری.

حالا یک کسی مانند آقای بهجت این جوری کاسه می‌آورد که هفتادسال نوافلش هم می‌خواند، سکوتش هم ترک

نمی‌شود، هر روز هم حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)، حرم حضرت رضایش هست، یک کسی هم نماز واجبش را نمی‌خواند ولی اعتقاداتش درست است، هر دو به گونه‌ای محبوب هستند اما این کجا و آن کجا.

(مجری)

ساده‌ترین و کوتاه‌ترین شکل نماز شب که قابل انجام برای افراد معمولی هم باشد لطفاً توضیح بدهید.

(استاد)

من پایان سوال قبل را فراموش کردم جواب بدهم، این که چه طور ماندگار کنیم در خود، تنها راه ماندگاری فضائل در وجود انسان مراقبت است، مراقبه سنگ زیربنای سلوک است، معنای مراقبه چه است؟ من صبح که از خواب بلند می‌شوم تا شب که می‌خواهم بخوابم، یک سیمم با مبداء هستی وصل باشد، خودم را در محضر ببینم، همین که خودم را در محضر خدای رحیم رحمان قادر قهار عالم جبار دانستم، این باعث می‌شود فضائل در من روزبه‌روز رشد می‌کند و بالا می‌رود. اما سوال الان (چه بود؟).

(مجری)

ساده‌ترین و کوتاه‌ترین شکل اقامه نماز شب. (استاد) ببینید نماز شب را چند جور می‌شود خواند اما بهترینش این است که انسان بعد از نیمه‌شب، هر چه نزدیک‌تر به اذان صبح، یازده رکعت نماز بخواند و این یازده رکعت به این کیفیت است که چهار تا دورکعتی مانند نماز صبح می‌خواند، این چهار تا دورکعتی نیتش نماز شب است، بعد یک دورکعتی نماز می‌خواند، نماز شفع، اگر اسمش را بلد نبودی بگو همان که حاج آقای رضایی در برنامه گفت، خلاص، خدا با نیت سروکار دارد. این شد ده رکعت، آن هم مانند نماز صبح است، بعد یک نماز یک‌رکعتی داریم که اگر نماز شب را انسان نشسته می‌خواند، این یک رکعت هم مستحب است، دورکعتی بخواند، اگر نماز را ایستاده می‌خواند، یک‌رکعتی است. این نماز یک رکعتی یک مقداری کار دارد و آن این که شما حمد را خواندی، سوره را خواندی، قنوت را که خواندی چهار تا کار می‌کنی. اول این که هفتاد بار می‌گویی «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، بعد هفت بار می‌گویی «هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ»، خدایا من گنه‌کارم، آدمم تو من را از آتش نجات دهی، بعد هم چهل تا مومن را دعا می‌کنی ولو به فارسی، «اللَّهُمَّ اغْفِرْ»، اغفر پدرم، مادرم، خواهرم، دایی، عمو. بعد هم سیصد بار اِلهی اَلْعَفُو، اَلْعَفُو، اَلْعَفُو، اَلْعَفُو تا سیصد تا (می‌گویی). این کارها در قنوت مستحب است، شد، شد، شد، شد، نشد، نشد.

(مجری)

تعدادش هم کم و زیاد شد (اشکالی ندارد؟).

(استاد)

بله، نماز شب را نباید از دست داد ولو انسان حال این که این چهار کار را انجام بدهد، نداشته‌باشد، گرچه همین چهار تا کار چند بار که انجام بشود، بسیار راحت انجام می‌شود. آن وقت این نماز شب هفتاد تا خاصیت دارد.

(مجری)

از شما ممنونم، خدا خیرتان دهد که در این راستا ما را راهنمایی می‌کنید و اطاعتمان بیشتر می‌شود. برای شادی روح شهدای تازه گذشته هم خواستند که صلواتی بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

الهی، ان شاء الله که شهادت قسمت ما هم بشود ولی از کجا بدانم که خداوند از ما و اعمالمان راضی است؟

(استاد)

بله، همین الان عرض کردم، اگر در دلمان محبت الهی و محبت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) را داریم، معنایش این است که خدا از ما راضی هست.

ببینید، اصولاً خدای متعال شاخصه داده (است)، یکی از شاخصه‌های رضایت خود را این دانسته‌است، فرموده‌است:

«اگر خاندان عصمت و طهارت از تو راضی باشند، من از تو راضی هستم. والدین راضی باشند، من راضی هستم». مردم بگویند که فلانی آدم خوبی است، بعد از فوت مستحب است که افراد دست بلند کنند و بگویند: «اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا».

خدایا ما از این جز خوبی چیزی ندیدیم. این‌ها شاخصه‌های رضایت الهی است، غصه نخورید، خدا ان شاء الله از شیعه امیرالمومنین (علیه‌السلام) راضی است.

(مجری)

حاج آقا به نظر من مسلمانی که بصیرت دارد خیلی بیشتر از مومن بی‌بصیرتی است که نماز شب می‌خواند مانند کسانی که به نیت تقرب امام حسین (علیه‌السلام) را کشتند.

(استاد)

ببینید، ما معمولاً در این‌گونه موارد می‌گوییم که دوگانه‌سازی نباید کرد، این دوگانه‌سازی کار دست ما می‌دهد. مثل این که طرف می‌آید می‌گوید آقا من نماز نمی‌خوانم چون یک عده در این کشور اختلاس می‌کنند، چه ربطی ماست و دروازه به هم دارد؟

نماز یک وظیفه فردی توست، باید بخوانی، همه عالم، گفت که گر جمله کائنات کافر گردد، تو باید کار خودت را انجام دهی.

دوگانه‌سازی نباید کرد اما مومن با بصیرت البته که بسیار ارزشمند است، اگر بصیرتش کم است باید بصیرتش را افزون کند و حق با شما است گاهی عدم بصیرت باعث دوری از خدای متعال می‌شود ولی این دوگانه‌سازی‌ها گاه کار دست انسان می‌دهد.

(مجری)

درست است، من یک سوال دیگر را خیلی سریع بخوانم، فردی که خدا را خیلی دوست دارد، با او مأنوس است ولی محبت خاص خدا را لمس نمی‌کند و احساس می‌کند که محبوب خدا نیست و از محبت خاص خدا محروم است، اشکال کارش را چه طور باید پیدا کند؟

(استاد)

با محاسبه باید ببیند کجای کار می‌لنگد، یک وقت می‌بینی ته دل مادر از او گرفته‌است، ته دل پدر از او گرفته‌است، به یک همکار و رفیقی ظلمی کرده‌است، همسایه را آزرده و خودش هم حواسش نیست، حق کسی را خورده‌است، یعنی باید یک محاسبه‌النفسی بکند، ببیند کجا احتمال دارد لغزیده باشد که این عشق الهی در دلش نفوذ کرده‌است ولی اثر معکوسش را نمی‌بیند.

(مجری)

خیلی متشکرم، وقت ما تمام شد، تعداد سوال باقی ماند، عذرخواهی می‌کنم و شرمند شما هستم، ان شاء الله هفته آینده خدمت حاج آقا مطرح می‌کنم.